

به بهانه تولد ۲۰ سالگی فیلم «سارای»، آشنایی با سبک زندگی عشایر دشت مغان

یک زندگی، یک افسانه، یک فیلم

در سینمای ما، تعداد فیلم‌های نامیرا، فیلم‌هایی که تا سال‌ها بعد از زمان ساختشان هم چنان بشود آن‌ها را دید، درباره‌شان حرف زد و دوستان داشت، زیاد نیست. «سارای» «یدا... صمدی» یکی از این معدود فیلم‌هاست. این فیلم در دهه ۷۰ ساخته شده، اما هنوز دوست‌داشتنی و ساده و صمیمی است. قصه زندگی و دلدادگی بی‌سرانجام دختری ایلپاتی به همین نام که در طول سال‌ها، اسم و سرگذشتش به نمادی از پاکدامنی و وفاداری، بین مردمان کوچ‌نشین بدل شده‌است. یک افسانه قدیمی آذری که سال‌ها دهان به دهان و سینه به سینه چرخیده و هر بار شنیدن و خواندنش دلنشین است و دست‌مایه ساخت این فیلم شده. فیلم سارای امسال ۲۰ ساله می‌شود و این مناسبت، بهانه‌ای شده برای نوشتن این پرونده. در پرونده امروز زندگی‌سلام، ضمن مروری بر این فیلم به‌یادماندنی، افسانه فولکلوریک و آذری سارای را با هم بازخوانی می‌کنیم. همچنین مروری داریم بر سبک‌زندگی عشایر دشت‌مغان؛ آداب و رسوم، نوع پوشش و صنایع دستی‌شان. اگر فیلم «سارای» را ندیده‌اید یا دیده‌اید و دوست دارید خاطره‌اش را دوباره مزه مزه کنید، اگر خواندن افسانه‌های قدیمی برایتان لذت‌بخش است و اگر دوست دارید یک سفر کوتاه به دشت‌های سرد آذربایجان داشته‌باشید، پرونده امروز را ویژه بخوانید.



عکس‌ها: خبرگزاری مهر

ماجرای افسانه سارای چیست؟

سیل سارای را با خود برده است *

الیه توتان- قصه «سارای» تقریباً برای همه خواندنی و دلنشین است؛ چه برای آن‌هایی که در سال‌های دهه هفتاد، فیلم هنرمندانه «یدا... صمدی» را دیده‌اند و حالا بدشان نمی‌آید خاطره‌اش را مرور کنند چه برای جوان‌ترها که سنشان به دیدن فیلم قد نمی‌دهد ولی وصف این فیلم و افسانهٔ پشتش را شنیده‌اند. «سارای»، اما فقط یک قصه نیست؛ بخشی از میراث معنوی آذربایجان است که در فرهنگ، تفکر و نوع نگاه مردمش ریشه دارد؛ در ادبیات شفاهی، موسیقی و داستان‌های آن‌ها جلوه گر شده‌است و پاکدامنی، وفاداری و عشقی بی‌سرانجام را روایت می‌کند. «سارای» دختر زیباروی ایلپاتی در دشت مغان با پدرش زندگی می‌کند، مادر موقع تولد او از دنیا رفته‌است. سارای شورانگیز، روزی دل به جوانی

می‌بندد؛ خان‌چوپان! خان‌چوپان البته لقیش بوده‌است؛ آن موقع به سرگروه چوپان‌های یک منطقه، که به صورت دسته جمعی گوسفندان مردم آن منطقه را در بیلاق و قشلاق می‌چرانندند و روزها از خانه و کاشانه خود دور می‌مانند، خان چوپان گفته می‌شد. روزی، خان‌چوپان راهی بیلاق می‌شود و دختر چشم‌به‌راه برگشتن او، کنار ایل می‌ماند. در همین روزهای دوری دو دل‌داده از هم، خان یکی از مناطق اطراف، حین گردش و شکار به منطقه زندگی خانواده سارای نزدیک می‌شود و با دیدن سارای، عاشق او می‌شود. گروهی را برای خواستگاری می‌فرستد، سارای اما که با دیگری عهد بسته، به خان جواب منفی می‌دهد. خان که عادت به «نه» شنیدن ندارد، برافروخته می‌شود. با سوارانش به محل زندگی

سارای -که بیشتر مردان و پسرانش به بیلاق رفته بودند و جز زنان، پیرمردها و کودکان کسی نبود- حمله می‌کند و در صدد برمی‌آید دختر را به زور با خود ببرد. پدر سالخورده سارای، با سواران خان درگیر می‌شود. سارای که می‌بیند جان پدرش درخطر است، به وصلت با خان رضایت می‌دهد. اصرارهای پدر بی‌فایده است، سارای با خان و سوارانش راهی می‌شود، با این امید که خبر به نامزدش برسد و او برای نجاتش بیاید. سارای از آمدن خان‌چوپان ناامید می‌شود. نه می‌تواند فرار کند- از ترس جان پدر- و نه می‌تواند به لکه‌دار شدن وفاداری و شرافتش رضایت بدهد. در نزدیکی قصر خان، در حاشیه رودخانه و در جایی عمیق از روی اسب پایین می‌پرد و خود را به پاکی آب می‌سپارد. خان و سوارانش،

■ اوبا، آلاچیق، کومه

مسکن اصلی ایل شاهسون زند و پیرو مذهب شیعه هستند. هم اکنون پوشاک مردان شاهسون مثل لباس مردان روستایی و شهری است، هرچند بنا به مقتضیات شغلی، شیوه معیشت، عادات و سلیقه، رنگ و جلای آن‌ها را ندارد. ترکیب لباس‌شان در تابستان و زمستان یا انواع کلاه و کفش مورد استفاده با اندک تفاوت در جنس و ضخامت، یکی است. زنان «شاهسون» هم تا حدودی شکل سنتی پوشاک خود را حفظ کرده اند. جالب است بدانید زنان شاهسون برای حضور در مراسم، جلیقه‌پارچه‌ای بدون آستینی می‌پوشند که روی آن، سکه‌های طلا و نقره دوخته شده است و تعداد سکه‌ها نشان‌دهنده میزان ثروت خانواده است. موسیقی متداول در میان ایل شاهسون، «موسیقی عاشیقی» است. شاهسون‌ها شب‌ها ساز به دست می‌گیرند، قصه می‌گویند و مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها افسانه «سارای» را تعریف می‌کنند. «عاشیقی»‌ها راوی فرهنگ شفاهی، تاریخ، حماسه‌ها، رزم‌ها و رویدادهای مهم ایل در منطقه آذربایجان هستند.

■ صنایع دستی، غذا، زندگی بدون تولید زباله

مهم‌ترین بافته «شاهسون»‌ها، گلیم‌های سوزن‌دوزی و ظریف، معروف به «سوماک» است که در زبان محلی به آن «ورنی‌بافی» می‌گویند. ورنی بافی مهم‌ترین و زیباترین صنایع دستی این ایل است که طرح‌های پیچیده آن را با دستگاه‌های عمودی یا افقی به شکل تکه‌های سه متری می‌بافند و سطح‌شان را با نقش‌های پیچیده ذهنی، سوزن‌دوزی می‌کنند. معروف‌ترین طرح این گلیم‌ها «کشتی نوح» نام دارد. از دیگر صنایع دستی رایج در میان عشایر ایل ایل، می‌توان به جاجیم، گلیم، فرش، جوال، خرچین، قالی، قالیچه، دستکش، شال گردن، کلاه و توپره اشاره کرد. صفر تا صد زندگی عشایر، توسط خودشان انجام می‌شود؛ روی همین حساب، مهم است تغذیه مناسبی داشته باشند تا انرژی کافی برای پشت سر گذاشتن یک روز سراسر تلاش تأمین شود. صبحانه شیر داغ، کره خالص، پنیر اعلا، عسل ناب و نانی است که زنان هر اوبا (چند خانوار که در کنار هم چادر زدند) روی ساج پخته‌اند. ناهار هم به‌طور معمول یک غذای سنتی است: شیربرنج. شیر تازه را می‌جوشانند، برنج را می‌ریزند داخلش تا بپزد. غذایی دو مرحله‌ای. شیربرنج رقیق را توی بشقاب گود می‌ریزند و می‌خورند. حین خوردن، زن خانواده شیربرنج مانده در دیگ را دوباره می‌جوشاند تا شیرش بخار و غلیظ شود. در ظرفی دیگر هم روغن حیوانی را می‌گذازند وسط سفره. شیربرنج غلیظ‌شده را می‌ریزند توی همان بشقاب‌ها، روغن حیوانی را تویش آب می‌کنند، کمی نمک می‌زنند و تمام. هرچند ناهار به قدر کفایت سنگین است اما سر شب که بوی نان تازه، آمیخته با عطر نعنای کوهی و کاکوتی و آویشن در کوهستان می‌پیچد و با پنیر اعلا همراه می‌شود، به قول خود عشایر ترک: باید «گوردون یکم، نه دمک» (وقتی چیز خوردنی هست، شک نکنی و بخوری.). تولید زباله در میان عشایر صفر است. مثل درصد بیکاری‌شان. قدیم‌ترها از گون کوهی برای سوخت استفاده می‌کردند اما به تازگی برایشان کلاس آموزشی برگزار کرده‌اند تا از سوخت فسیلی استفاده کنند و گون‌ها سر جای خودشان بمانند. دورریز نان برای مرغ و خروس‌هاست. دورریز غذا برای سگ‌ها. هیچ پلاستیکی در گستره پاک بیلاق دیده نمی‌شود.

■ آداب ازدواج شاهسون‌ها

+ مراسم و آداب ازدواج در میان این ایل از اهمیت زیادی برخوردار است. وقتی پسری خواهان دختری است، دو نفر از ریش سفیدان ایل را به چادر پدر دختر می‌فرستد و آن‌ها درصورت توافق، عهد و پیمان می‌بندند و به این قول متعهدند. پس از خواستگاری، خانواده داماد برای عروس هدایایی از قبیل: روسری، گردنبند، آینه، پارچه و شیرینی می‌برند. چند روزمانده به تاریخ عروسی از مهمانان دعوت به شرکت در مراسم می‌شود. مهمانان هدایایی به همراه می‌آورند و به محض نزدیک شدنشان، داماد و همراهانش به اتفاق نوازندگان سازهای محلی به استقبال آن‌ها می‌روند. همه، شام را در مراسم می‌خورند اما داماد می‌خورد و مبلغی به آشپز و ایدارچی هدیه می‌کنند. این مراسم چند روز ادامه دارد و در روز آخر مهمانان به خانه عروس می‌روند و عروس را همراه خود به چادر داماد می‌آورند.

شایع این مطلب: خبرگزاری مهر - روزنامه مهروند



فیلمی موفق و خاطره‌انگیز

سارای، فیلمی است به کارگردانی «یدا... صمدی» که براساس افسانه مشهوری به همین نام، در سال ۱۳۷۶ ساخته شد. مثل قصه، در فیلم هم سارای (ماه کامل و دختر



آب) که مادرش را در کودکی از دست داده، در ایل یا آیدین (روشنایی و پسر کوه و خاک) آشنا می‌شود و هر دو فرار و نشیب‌های زیادی از سر می‌گذرانند. «فخری سلطانی» و «فرهاد قائمیان» از نقش‌آفرینان اصلی این فیلم بودندو نوای سوزناک «عاشیق محبوب خلیلی»، رنگ و غنای فیلم را بیشتر و عمیق‌تر می‌کرد. سال ۱۳۷۶، هنگامی که سارای به نمایش درآمد، با استقبال چشمگیری روبه رو شد. این روزها سارای در شبکه نمایش خانگی و همچنین روی سایت «فیلمو» قابل دسترسی است.